



کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۷۰۸

تاریخ ثبت:

کتابخانه تخصصی

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱۰	بخش اول - کلیات
۱۱	فصل اول - معانی ارتداد
۱۱	مبحث اول - تعاریف لغوی و اصطلاحی
۱۲	مبحث دوم - از منظر آیات و روایات
۱۴	مبحث سوم - از منظر فقها
۱۸	فصل دوم - مرتد کیست؟
۲۵	فصل سوم - ارتداد در تاریخ
۲۷	فصل چهارم - حد
۲۷	مبحث اول - معنای حد
۳۰	مبحث دوم - فرق حد و تعزیر
۳۱	مبحث سوم - مجازات مرتد حد است یا تعزیر
۳۲	مبحث چهارم - مصادیق حدود
۳۴	بخش دوم - تعهدات مکتبی و تخلف از آن
۳۵	فصل اول - تعهدات مکتبی
۳۸	فصل دوم - علل تخلف از تعهدات
۴۸	بخش سوم - ارتداد
۴۹	فصل اول - تحقق ارتداد

- ۴۹ ..... مبحث اول - عمل
- ۴۹ ..... مبحث دوم - خودداری از عمل
- ۵۰ ..... مبحث سوم - گفتار
- ۵۰ ..... مبحث چهارم - سب انبیاء
- ۵۶ ..... مبحث پنجم - انکار ضروریات دین
- ۵۹ ..... فصل دوم - شرایط حکم به ارتداد و راه اثبات آن
- ۵۹ ..... مبحث اول - شرایط حکم به ارتداد
- ۶۱ ..... مبحث دوم - راه اثبات ارتداد
- ۶۳ ..... فصل سوم - اقسام ارتداد
- ۶۳ ..... مبحث اول - تقسیم مرتد به فطری و ملی
- ۶۴ ..... مبحث دوم - ملاک فطری بودن چیست؟
- ۷۰ ..... فصل چهارم - آثار ارتداد
- ۷۰ ..... مبحث اول - احکام خاص مرتد فطری
- ۷۲ ..... مبحث دوم - مرتد باید کشته شود
- ۷۷ ..... مبحث سوم - چه کسی حکم را اجرا نماید؟
- ۷۸ ..... مبحث چهارم - اعمال گذشته او باطل است؟
- ۸۰ ..... مبحث پنجم - حکم جنازه مرتد
- ۸۱ ..... مبحث ششم - حکم جنایت در حال ارتداد
- ۸۲ ..... مبحث هفتم - اگر مرتد فرار کرد
- ۸۳ ..... مبحث هشتم - حرمت اکل ذبیحه مرتد
- ۸۴ ..... مبحث نهم - نجس بودن مرتد
- ۸۶ ..... مبحث دهم - نقش زمان و مکان
- ۸۷ ..... مبحث یازدهم - عنصر مصلحت در اجرای حکم

۹۳	فصل پنجم - حکم زن مرتده.....
۹۳	حکم زن مرتده از نظر مذاهب اسلامی.....
۱۰۰	فصل ششم - ارتداد خنثی و احکام آن.....
۱۰۱	فصل هفتم - توبه مرتد.....
۱۰۱	مبحث اول - آیا توبه هر مرتد قبول است؟.....
۱۰۹	مبحث دوم - آیا طلب توبه واجب است.....
۱۱۴	مبحث سوم - آیا توبه مرتد فطری اثر دارد؟.....
۱۲۵	مبحث چهارم - کیفیت توبه مرتد.....
۱۲۶	مبحث پنجم - تکرار ردّ بعد از توبه.....
۱۲۸	مبحث ششم - توبه در حال مستی.....
۱۲۹	مبحث هفتم - آیا بعد از توبه عقد جدید لازم است؟.....
۱۳۱	فصل هشتم - احکام اموال مرتد.....
۱۳۱	مبحث اول - حکم مال مرتد.....
۱۳۴	مبحث دوم - حکم مهریه.....
۱۳۴	مبحث سوم - مصارف مرتد در زندان.....
۱۳۶	فصل نهم - احکام اولاد مرتد.....
۱۳۶	مبحث اول - فرزندان نابالغ مرتد به حکم مسلمان اند.....
۱۳۷	مبحث دوم - تولد بعد از ارتداد والدین.....
۱۳۹	مبحث سوم - آیا می توان فرزندان مرتد را رقی قرار داد؟.....
۱۴۱	فصل دهم - حکم تصرفات مرتد بعد از ردّ.....
۱۴۳	بخش چهارم - ارتداد در حالات مختلف.....
۱۴۴	فصل اول - ارتداد مکره.....
۱۴۵	فصل دوم - ارتداد در حال سکر.....

۱۴۷	فصل سوم - ارتداد در حال صباوة.....
۱۵۰	فصل چهارم - وقوع جنون در حال ارتداد.....
۱۵۳	نتیجه.....
۱۵۸	فهرست منابع و مآخذ.....

این اثر ناچیز را تقدیم به  
ساحت مقدس حضرت بقیة الله الاعظم (عج)  
می‌نمایم.

به امید آن روزی که با ظهورش زمینه اجراء  
احکام انسان ساز دین مقدس اسلام در  
سراسر گیتی مهیا شود و تمام بشریت در ظل  
حضرتش با صلح و صفا و اطمینان خاطر  
زندگی نمایند.



## تقدیر و تشکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

باری از خرمن معرفت استادان بزرگوار، خوشه چینی کردیم و ریزه خوار خوان گسترده‌ی علم و دانش آنان بودیم و هستیم. پس به حکم وظیفه‌ی شاگردی، از صمیم قلب و با تمام وجود، از زحمات صادقانه‌ی تمام اساتیدی که در طول تحصیل بار گران ما را به دوش کشیدند، سپاسگزاری و قدردانی به عمل می‌آید. به طور اخص از محضر حضرت آیه الله رحمانی سبزواری (مدظله العالی) کمال تشکر را دارم. شاید در نگارش این رساله، به دلیل پیچیدگی و دشواری موضوع، بیشتر از هر پایان‌نامه‌ی دیگری، برای استاد عالیقدر و فرزانه، ایجاد مزاحمت و صرف وقت شده باشد؛ و این عزیز نیز همواره ما را تحمل نمودند و آنچه را داشتند، صادقانه در طبق اخلاص گذاشته و هیچ‌گاه این فیض بزرگ را از این حقیر دریغ نورزیدند. انصافاً باید اعتراف نمود که اگر نکته سنجی‌ها و راهنمایی و راهگشایی استاد بزرگوار نمی‌بود، این رساله راه به جایی نمی‌برد.

همچنین از مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی بالاخص بخش پایان‌نامه که زمینه تحقیق و تفحص و ابراز عقیده را برای طلاب عزیز مهیا ساختند که شاید این امر سبب تحقیق و توجه بیشتر دانش‌پژوهان در ابواب مختلف علوم اسلامی گردد، تقدیر به عمل می‌آورم. شاید روزنه‌ای باشد برای آن دسته از عزیزان که قبل از این تحقیق و تتبع در رشته‌ای خاص نداشتند بعد از تدوین پایان‌نامه در بحر بیکران علوم اسلامی سیر نمایند تا از لذت تحقیق و اظهار نظر در مسائل متعدد اسلامی بهره‌مند شوند و نیز در مواردی توان نقد و نقض انظار فحول قوم را داشته باشند.

امید است که در تمام مراحل برای دانش‌پژوهان علوم اسلامی زمینه تدوین پایان‌نامه‌های تخصصی گذاشته شود تا محققین بیشتری از حوزه تحویل جامعه گردد.

# مقدمه

بحث پیرامون ارتداد از آنجا ضرورت می‌یابد که پای دین و ارزشهای ناشی از آن اهمیت پیدا می‌کند.

بخصوص در عصر حاضر که واویلای مبارزات گسترده و همه‌جانبه و بی‌امان استعمار فرهنگی علیه ارزشهای اعتقادی در حال ظهور است.

اما رخدادهای بحران خیز کنونی در صحنه جهانی و پیدایش تفکر تجددگرایی و جریانهای جدید با هدف و طرح براندازی از طرف دشمنان مکتب اسلام با شعارهای فریبنده و بظاهر جذاب وارد میدان شده‌اند.

یکی از حربه‌های آنان بر ضد مکتب اسلام اجراء حکم ارتداد است که آن را مغایر با آزادی انسان و حقوق بشر می‌دانند.

در حالیکه اسلام اشد مجازات را برای کسی که از دین اسلام خارج می‌شود و به ارتداد رو می‌آورد مشخص کرده است، ماده ۱۸ از اعلامیه جهانی حقوق بشر، عدول از دینی به دین دیگر یا اتخاذ دین جدید را برای هر فردی جایز می‌داند و هیچ‌گونه عقوبتی را برای او تجویز نمی‌کند. (۱)

از دیرباز تا کنون یک بحث «دروغین»، بخاطر ایجاد شبهه و مسموم نمودن فضای اعتقادی، از پایگاه تخریب با سلاح سفسطه و مغلطه مطرح می‌سازند که دین اسلام احکامی دارد مخالف با آزادی بشری و شعارهای اولیه آن که بیانگر آزادی در انتخاب است. آیه «لا اکراه فی الدین...»

---

۱- عالمی بلخی، سید حسین، ملاحظاتی چند بر متن پیشنهادی قانون اساسی جدید افغانستان، چاپ مفاخر، ۱۳۸۲، کابل.

مغالطه کاری دشمنان اسلام در تعریفی از آزادی و دین و برداشت آنها می باشد.  
باید قبل از همه مفهوم دو واژه دین و آزادی مشخص شود.  
منظور از واژه دین و آزادی چیست؟

تفاوت مفاهیم مورد نظر ما از این دو واژه با آنچه مقصود دیگران است چیست؟  
باید دانست که واژه دین و آزادی در فرهنگ ما چه مفهومی دارند؟  
قلمرو هر یک تا کجا است و شامل چه زمینه‌ها و محورهایی از معرفتها، رفتارها،  
ارزشها و باورها و... می شوند.

دین، قبول و پذیرش قانون و تسلیم در برابر خواسته‌های آن و عمل طبق دستورات آن  
است.

آزادی، در نظام ارزشی اخلاقی، ریشه دینی دارد. حریت در فرهنگ اسلام شناخته  
شده است.

آزادی، در نظام غیر ارزشی رهایی و بی بند و باری مطلق است و لو خلاف فطرت و  
طبیعت انسانی باشد. مانند هم جنس بازی و ....

آزادی، در فرهنگ اسلام، آزادگی رهایی از قید و بند و اسارت شهوات و منویات  
حیوانی و... یا آزادی در مسائلی مثل حقوق، مالکیت، تشکیل خانواده، انتخاب خط مشی  
سیاسی و دخالت در سرنوشت و... می باشد. ولی آنچه در جامعه امروزی مطرح است  
آزادی بیان و عقیده و بدنبال آن مطبوعات است.

آزادیهای فلسفی و تکوینی که از اختیار و جبر صحبت می کند از محل بحث ما خارج  
است و نیز آزادی اخلاقی که بسیار ریزیینی دارد در هر کاری امر و نهی دارد و ما به او  
کاری نداریم.

آنچه موضوع بحث ما را تشکیل می دهد اینست که از نظر حقوقی تا چه اندازه آزادیم.  
در گفتار، نوشتار و حتی انتخاب دین و تغییر آن. ممکن است کاری از نظر اخلاقی ممنوع

باشد ولی از نظر حقوق آزاد باشد. آزادی که مورد نظر الحادیون است و روی آن مانور می‌دهند، اینست که اگر کسی لُخت در خیابان راه افتاد، دیگران حق اعتراض ندارند، چونکه او آزاد است.

در یکی از روزنامه‌های خارجی نوشته شده بود که عمل همجنس بازی مردود است ولی نباید ممنوع باشد. از نظر نویسندگان اخلاقاً مردود است و لکن قانوناً نباید دولت منع کند. یک کار شخصی است. او آزاد است. (۱)

اما در اخلاق دینی محدودیتها زیاد است. در مورد هر عنوانی امر و نهی یا تجویز دارد، بنابراین دین مقدس اسلام در تمام افعال اختیاری انسان که در سعادت و شقاوت او نقش دارد امر و نهی دارد.

از نظر اخلاق دینی کلیه اعمال و رفتار و حتی فکر کردن انسان موحد باید طبق دستورات دین باشد اگر چه تخلف از دایره آن تعقیب و مجازات دنیوی ندارد و مربوط به آخرت است و برای حفظ و سلامتی روح و سعادت عمومی جامعه در نظر گرفته شده خلاصه در فرهنگ اسلام دین می‌تواند در کلیه امور که مربوط به سعادت و شقاوت انسانها می‌شود مداخله کند از باب اخلاقی و حقوقی با تفاوتی که وجود دارد.

اگر چه بعضی به ظاهر متدینین بخیال اینکه روشن فکر و متمدن جلوه کنند کوشیده اند که دایره اختیارات دین را مشخص بر عبادات کنند و لکن بر خلاف تصریح آیات و روایات و تاریخ اسلام است.

حق اینست که دین مقدس اسلام می‌تواند در همه امور سرنوشت ساز مداخله کند. ما معتقدیم که در دین اسلام بیشتر از مسائل فردی بر مسائل اجتماعی و حقوقی توجه شده است.

دین و قانون می‌تواند در چهارچوبه مصالح لازم الرعایه آزادیهای دیگران را محدود کنند.

آیا براساس کدام مصالح دین و قانون می‌توانند آزادیها را محدود نماید و شامل چه مواردی می‌شود؟

بین مکتب اسلام و فرهنگ غربی و «لائیکی» اختلاف اساسی وجود دارد. ما معتقدیم که اهمیت مصالح معنوی و روحی انسان کمتر از مصالح مادی آن نیست بلکه بیشتر و مهم تر است.

بنابراین فلسفه قبول کردن دین به معنی محدود نمودن آزادیها است. دین دستور میدهد که انسان چه عقیده‌ای را بپذیرد و کدام را رد کند از نظر دین آزاد نیستیم که هر اعتقادی را داشته باشیم قانون دین میفرماید کسی که قائل به توحید بود به بهشت خواهی رفت و قائل بر شرک راه جهنم را در پیش دارد.

ان الشرك لظلم عظیم.<sup>(۱)</sup> (همانا شرک ظلم بزرگی است [بر خدا و نفس خودش])  
ظلم وضع شیء در غیر موضع آن است، در مقابل عدل. پس ظالم در مقابل خدا قرار می‌گیرد. «أما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا و...»  
یعنی همانا جزای کسانی که با خدا و رسولش می‌جنگند و در روی اشاعه فساد می‌کنند، آنان کشته می‌شوند و....

ان الله لا یغفر ان یشرك به<sup>(۲)</sup>: (خداندگناه شرک را بر هیچکسی نمی‌بخشد).  
تا اینجا ثابت شد که دین در اموری که منجر به سعادت و شقاوت انسان می‌شود مستقیماً دخالت دارد.

از نظر حقوقی دین آزاد گذاشته حکومت اسلامی حق ندارد کسی را بخاطر اعتقادش

۱- سوره لقمان، آیه ۱۳.

۲- سوره نساء، آیه ۴۸.

تعقیب و مجازات کند اگر چه بیداند قلباً او مشرک شده در حالیکه اعتقاد قلبی موجب ارتداد هم نمی شود.

و معنای صحیح آیه «لا اکراه فی الدین»<sup>(۱)</sup> همین است.

اگر در مورد ارتداد دین مقدس اسلام کیفر حقوقی دارد از جهت تأثیر سوی که ممکن است اظهار آن عقیده قلبی در جامعه داشته باشد است.

اما آنها مصالح را فقط در مادی منحصر میدانند و بس.

این مطلب را در قالب مثال عرض کنم.

در هر نقطه‌ای از جهان اگر کسی آب آشامیدنی شهری را مسموم کند همه عقلاء او را مستحق تعقیب و مجازات میدانند. یا اگر کسی کالای غیر بهداشتی را وارد بازاری کند می بینید که در روزنامه ها و دستگاههای خبری اعلام می کنند که فروش آن کالا ممنوع است و عامل آن را تحت پیگرد قانونی قرار می دهند و مجازات او بلامانع است.

برای اینکه مصلحت مادی مردم در معرض خطر است.

سؤال ما اینست که آیا زیان چیزی که روح انسانها را مریضی می کند و موجب مرگ ابدی آنان می گردد بیشتر است یا آنچه در زندگی زود گذر این دنیا اختلال ایجاد می کند، اگر کسی را مسموم کند از زندگی چند روزه محروم می شود در حالیکه مرض روحی از هر دو جهان محروم می سازد.

بدون در نظر داشت آیات و روایات اگر عنان مطلب را بدست عقل سلیم بدهیم قطعاً زندگی سعادت‌مندانه همیشگی را ترجیح خواهد داد و هر کسی در آن اختلال ایجاد کند مستحق کیفر میدانند.

بنابراین اجراء حکم ارتداد با آزادی در انتخاب دین در تضاد نیست و شعار اصلی دین

مقدس اسلام روی آزادی و شناخت در انتخاب تکیه دارد و بعد از قبول راه سعادت با اختیار خودش، دیگر اجازه ندارد راه شقاوت را در پیش بگیرد و بخاطر پیشگیری از اختلال در جامعه قانون کیفری را جعل نموده تا آینده آن بیمه شود.

دین مقدس اسلام منبع تمام خیرات و برکات برای انسان در دنیا و آخرت است. تقوی، ورع، علم و فضیلت، درستی، صلاح، سداد، جود و سخا، عفو و بخشش و کلیه صفات حمیده در سایه ارتباط با اسلام به دست می آید، خداوند متعال حرمتی که برای مؤمن قائل شده برای هیچ یک از مخلوقاتش قائل نشده است. هر فردی که بدین اسلام رو بیاورد در واقع به طرف سعادت دنیا و آخرت رو آورده است.

با توجه به منافع دنیوی و اخروی که در گرو و قبول دین اسلام است روگردانیدن از او در واقع ضرر رسانیدن به نفس خودش است و از نظر عقل سلیم این کار ممنوع است بهتر است که خوانندگان محترم برای آگاهی بیشتر از وضع مرتد به قرآن مراجعه نمایند تا معلوم شود که او در قیامت دچار چه عذابهای خطرناک ابدی می شود.

در زمینه زیبایی و زشتی نفس، پاکی و آلودگی آن، روشنی و تاریکی اش سخن بسیار است. باید قبول کرد که از هنگام شروع زندگی در کره زمین بوسیله نوع ما بحث در پاکی و آلودگی نفس و علل سلامتی و مرض آن شروع شده و تا کنون ادامه داشته و باز هم ادامه خواهد یافت و این همه سعی و تلاش برای اینست که انسان به پاکی برسد و از آلودگی مصون بماند. زیرا انسان ناپاک و تربیت نشده هر چه علم و آگاهی اش بیشتر شود. در موارد خطرناکتر خواهد شد. با طرح ساختن سلاحهای کشتار جمعی کل بشریت را تهدید به نابودی می کند.

از جانب دیگر انسان پاک و تربیت شده هیچگاه مشکلی ایجاد نمی کند بلکه علاوه بر خودسازی همیشه حلال مشکلات دیگران است.

انسان اگر منبع تمام علوم و فضائل مادی گردد. و در ارتباط با دین و تعلیمات الهی



نباشد راهی برای تزکیه و پاکی نفس ندارد، در کشورهای که مدعی تمدن و پیشرفت علوم بشری‌اند هیچگونه آرامش روحی روانی، وجدانی حاکم نیست. روزنامه‌ها و کلیه وسایل اطلاع‌رسانی همه روزه گوشه‌هایی از فحشا، ظلم، جنایت، وحشی‌گری، و تجاوز مسائل خلاف عفت و فطرت اولیه انسانی را که از مشکلات اساسی و گرفتاری حقیقی بشری است بازگو میکنند.

با اندک توجه بدست می‌آید که تخلفات کشورهای مسلمان نشین معلول ارتباط استعماری آنان می‌باشد.

تعجب‌آور است که مدعیان حقوق بشر و تمدن «از تمدن و ارزش واقعی انسانیت خبری ندارند» از قیمت و ارزش کالاهای زمینی از یجوز و لایجوز مسائل مادی زورگذر خبراند. اما از ارزش واقعی و حیثیت انسانی خویش بی‌خبراند، و نمیدانند.

بقول حکیم کم نظیر، فیلسوف الهی مولوی

جان خود را می‌نداند آن ظلوم	صد هزاران فضل داند از علوم
در بیان جوهر خود چون خری	داند او خاصیت هر جوهری
خود ندانی که یجوزی یا عجوز	تو همی دانی یجوز و لایجوز
خود روا یا ناروای بینی تونیک	این روا و آن ناروادانی و لک
قیمت خود را ندانی زاحمقی است	قیمت هر کاله میدانی که چیست
که بدانی من کیم در یوم دین	جان جمله علم‌ها اینست این

از طرفی عوامل وابسته و مهره‌های کثیف و مرموز آنان در طول تاریخ بودند و هستند حتی در چهره‌های اسلامی و انقلابی و روشنفکری در پی خرده‌گیری از قوانین اسلامی و عدم توانائی آن برای اداره جهان متمدن و نیازهای عصر حاضر میباشند و سعی و تلاش دارند که قوانین جزائی اسلام را نارسا و خشونت بار معرفی کنند.

آیا آنان که بنام دفاع از حقوق بشر و اصول انسانیت اشک تمساح می‌ریزند و قانون

جزایی اسلام را ضد حقوق بشر می‌دانند هرگز فکر کرده‌اند که چرا!!! در مقابل کشتارهای دسته‌جمعی مردم فلسطین، تجاوزات اسرائیل در جنوب لبنان و زیر پا گذاشتن حق مردم الجزایر، قتل عامهای مردم عراق بدست نظامیان آمریکا و پای مال کردن تمام حقوق اولیه سیاه پوستان آفریقا، آنگولا و... سکوت کرده‌اند.

و همیشه محرومین را محکوم می‌کنند و حتی یکبار نشده که صاحبان حق نامشروع و تو را محکوم کنند.

در چنین جوّی نقش حیاتی اجراء حدود الهی را باید بیشتر بررسی و تحقیق نمود تا افکار و اذهان سالم انسانیت آمادگی پیدا کند برای شناخت آن. لازم است مسأله ارتداد و حکم آن از زوایای مختلف و با حساسیت بیشتر مورد نقد و بررسی علمی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی قرار گیرد.

مطرح شدن این مقوله در سطح محافل فرهنگی، سیاسی و حقوقی و موضع‌گیری منفی و دسته‌جمعی بنگاههای تبلیغاتی استکبار جهانی علیه مقدسات اسلام می‌طلبد که علماء و اندیشمندان جهان اسلام با دقت کلیه جوانب قضایا را در نظر گرفته با سلاح عقل و نقل در برابر تبلیغات و القائات شیطانی معاندین به مقابله برخیزند و هر یک به تناسب تخصص خویش با تبیین و روشنگری غبار ابهامات را از چهره احکام مترقی و متعالی اسلام که با فطرت بشری سازگاری دارد بزدایند و تلاشهای زبوانه‌ای دشمنان شناخته شده خارجی، و کج اندیشان بی‌هویت داخلی را نقش بر آب نمایند.

# بخش اول

## کلیات

## فصل اول - معانی ارتداد

### مبحث اول - تعاریف لغوی و اصطلاحی

#### الف - ارتداد در لغت

الارتداد والردّه، الرجوع فی الطريق الذی جاء منه لکن الردّة تختص بالكفر والارتداد استعمال فیهِ و فی غیره<sup>(۱)</sup> ارتداد و رده بازگشت به راهی است که شخص از آن آمده با این تفاوت که رده تنها در مورد کفر به کار می رود و ارتداد در مورد کفر و غیر آن استعمال شده است.

ارتدّ، یرتدّ، ارتداداً. ارتد علی اثره او علی طریقهِ. از همان راهی که آمده بود بازگشت و برگشتن از کاری، راهی و یا کسی را گویند.

ارتد عن هبته، هدیه و بخشش خود را باز پس گرفت.

ارتد الی حاله، برگشت به وضعیت سابق و اول خود، مرتد به کسی اطلاق می شود که از راهی که رفته برگردد و آنچه را بدیگران هدیه نموده برگرداند. برگشت و بازگشت را ارتداد گویند. نقض عهد و پیمان و پشیمانی را ارتداد خوانند<sup>(۲)</sup>

ردّ، یردّ، مرداً، مردوداً. او را از فلان کار بازداشت و دور کرد و بازگردانید.<sup>(۳)</sup>

۱- راغب اصفهانی، مفردات، ماده ارتداد، سورة محمد، آیه ۲۵.

۲- الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ مطبعة الاداب، النجف الاشرف، کلمه ردّ، لسان العرب، جلد ۳، ص ۱۷۲.

۳- المنجد، باب ردّ، ص ۵۶۴.